



می‌فروشی، بقیه‌ش رانته. این رانته به‌خاطر اینه که دولت به تو ارز دولتی می‌ده. این مابه‌التفاوت قیمت رو باید به دولت برگردونی.» آن زمان، مدیرعامل ایران خودرو با شاه بستنی نمی‌خورد. مدلشان این طوری بود که جواب هرکسی را نمی‌دادند؛ فقط رئیس جمهور. وزیر هم چند بار می‌بایست زنگ می‌زد تا می‌گفت بفرمایید. قدرت داشتند و سبیل‌ها را چرب می‌کردند. دردوره‌ای به همه نماینده‌های مجلس یک ماشین دادند. بچه‌های سازمان حمایت بررسی کردند و دیدند سبیل تا ماشین مجانی به وزارتخانه‌های مختلف هبه کرده‌اند. جالب بود که هزینه این‌ها را هم می‌زدند پای مردم و می‌کشیدند روی قیمت تمام‌شده ماشین. اینجا بود که هزینه شرکت زیاده می‌شد. آقای خالدی تمام این مسائل را پرورده کرد و داد به تعزیرات.

محمد رضا یاورزاده: تعزیرات ایران خودرو را به مبلغ زیادی جریمه کرد. مدیرعامل ایران خودرو به دکتر نوشت: «برادر یا شلاق نخوردی یا

که به ماها می‌دن، این قدر دقیق نیست.» ولی ما واقعاً بررسی کردیم و دیدیم نه، درست است. دلیلش این بود که آقای خالدی به‌عنوان معاون اقتصادی دبیرخانه شورا، خودش می‌رفت و تا انتهای فرآیند را پیگیری می‌کرد. پشت میز نمی‌نشست و فقط ابلاغیه بزند. به دوستان می‌گفتم: «آقای خالدی تا اون پایین‌ترین مراتب کار، خودش مصوبات رو دنبال می‌کنه.» وقتی خالدی کاری را شروع می‌کرد، آن قدر مُصر می‌ایستاد تا انجام بشود، نه اینکه صرفاً بخواهد رفع تکلیف کند و از سر خودش باز کند. الحمدلله کار خیلی خوب پیش رفت. قرار بود واردات پلکانی کم شود تا کمبودها کم‌کم جایگزین شوند. انصافاً سیر خیلی خوبی طی کرد؛ طوری که این اواخر تقریباً نزدیک سی‌چهل درصد واردات کاهش پیدا کرد. این نتایج به‌خاطر وجود شخص آقای خالدی به دست آمد. جدی پای کار ایستاد و نگذاشت تصمیمات در چرخه معیوب مسئولیت‌گریزی و بی‌نتیجگی بیفتند. مختصات کار را بررسی و موانع را پیدا می‌کرد، طوری که یک مدیر میانی یا یک کارمند نمی‌توانست در جایی با اِعمال نفوذ یا ندانم‌کاری روند کار را متوقف کند.

### سونامی پاداش



محمد رضا یاورزاده: سال ۷۶، بیشترین پاداش در سازمان حمایت، سی‌چهل هزار تومان بود. آقای دکتر ثقفی، استاد تمام و حسابدار دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه علامه، پدر علم حسابداری ایران، معاون دکتر بود. یادم هست دکتر ثقفی پنجشنبه و جمعه‌ای وقت گذاشت و پنج‌شش صفحه با مدام، نقدی بر ضوابط قیمت‌گذاری نوشت. فردای آن روز، دکتر در حاشیه گزارشش برای معاون اداری مالی نوشت: «لطفاً مبلغ دویست هزار تومان به‌عنوان پاداش به آقای دکتر ثقفی پرداخت شود.» در آن سال دویست هزار تومان برای کارمندان سازمان حمایت در حد سونامی زندگی را می‌لرزاند. می‌خواست به او بگوید که من ارزش کار تو را می‌فهمم. اگر تو رفتی و پنج‌شنبه جمعه وقت گذاشتی و پنج صفحه مطلب نوشتی، پیش من خیلی ارزش دارد.

### قانون برای همه یکسان است



محمد رضا خزاعی: آقای خالدی در سازمان حمایت هم به مسائل ایران خودرو وارد شد؛ این بار با نگاه به حقوق مصرف‌کننده. می‌گفت: «شمای ایران خودرو قیمت تموم شده‌ت معلومه. هزینه مواد اولیه‌ت هم معلومه، هزینه کارگرت هم معلومه. کارگر اضافی هم داری؟ عیب نداره، اون رو هم حساب می‌کنیم. پول آب و برق و هزینه‌های سربرار رو هم جمع بزن. طبق مقررات، بین پونزده تا بیست درصد هم سود تولید بردار. اگه توی بازار، محصولت رو با سود پنجاه درصد

”

در دوره‌ای به همه نماینده‌های مجلس یک ماشین دادند. بچه‌های سازمان حمایت بررسی کردند و دیدند سبیل تا ماشین مجانی به وزارتخانه‌های مختلف هبه کرده‌اند. جالب بود که هزینه این‌ها را هم می‌زدند پای مردم و می‌کشیدند روی قیمت تمام‌شده ماشین